

## تاج درویش

تاج در زمان ساسانیان کلاه جواهرنشانی بوده است که آنرا بزنجیر زرین میآویختند و پادشاهان که یارای کشیدن آنرا بر روی سر خود نداشتند روی تخت زیر آن مینشستند .

تاج از آن زمانه نشانه حکمرانی و اقتدار و سلطنت بوده و شهریار مسلم کسی را میدانستند که صاحب تاج و تخت باشد بهمین مناسبت تاجور را پادشاه میخواندند .

گفتی که کجا رفتند آن تاجوران يك يك

زیشان شکم خاک است آبتن جاویدان

\*\*\*

یکی حلقه‌ای بد ز زر ریخته      از آن کار چرخ اندر آویخته  
فرو هشته از سرخ زنجیر زر      بهر مهره‌ای در نشانده گهر  
چو رفتی شهنشاه بر تخت عاج      بیاویختندی ز زنجیر تاج

تاج از ایرانیان به تازیان رسیده و نخستین بار اعراب تاج شاهی را گویا در زمان هرمز چهارم (۵۷۸ - ۵۹۰ میلادی) دیده باشند چنانکه ابوالفرج

اصفهانی در کتاب الاغانی و محمد جریر طبری در تاریخ الامم والملوک مینگارند که هرمزد چهارم ساسانی در زمان بتخت نشاندن نعمان سوم که از ملوک حیره و از دست نشاندگان ساسانیان بود تاجی بدو بخشید که شصت هزار درهم ارزش داشت .

در زبان پهلوی در کارنامه اردشیر بابکان کلمه Apis Car بمعنی افسر بکار رفته که جز تاج معنی دیگری ندارد .

در زبان ارمنی Tag بمعنی تاج و Taguor بمعنی تاجور از زبان ایرانی بعاریت گرفته شده . گروهی از مورخین قرن هفتم تا نهم هجری متذکر شده اند که عنوان پادشاهان ارمنستان کوچک است . شاید همین عنوان را برای شهریاران عیسوی یونانی قسطنطنیه و طرابوزان بکار برده اند .

اما استعمال کلمه تاج در تصوف اسلامی

نظر نگارنده این است که بزرگان صوفیه در ایران از صدر اسلام خود را سلطان فقر و عالم معنی میدانستند . از آنجا که در ذهن ایرانی از دیرگاه مفهوم سلطنت با مصداق تاج توأم بوده برای تشبیت مدعای خود کلاهی را با علائم مخصوص بر سر نهاده بنام تاج که علامت سلطنت و حکومت معنوی ایشان بوده موسوم نمودند ، بهمین مناسبت مشایخ معروف خود را بنام سلطان میخواندند مانند سلطان اویس قرن ، سلطان ابراهیم ادهم ، « سلطان ابوسعید » ابوالخیر و غیره .

اما برای اینکه بدانیم از چه زمان و چه نوع تاج درویشی بین مشایخ و بزرگان صوفیه معمول شده دقیقاً بر آن آگاهی نداریم . آنچه مسلم است بزرگان و مشایخ سلاسل تصوف هر کدام بمیل و ذوق خود نمونه خاصی از تاج تصوف را بر سر نهاده اند ، و تحت قواعد و نشانهای یکنواخت و مخصوصی نبوده است .

پیش از قرن هشتم در تذکرها چندان نامی از تاج فقر نیست و بیشتر از کلاه فقر نام برده شده است .

بر کلاه فقر ابراهیم ادهم نقش بود

قدر درویشی کسی داند که شاهی کرده است

از مفهوم شعرفوق صحت مدعای ما ثابت میشود که کلاه فقر آن زمان نقش و طرح ویژه ای نداشته است شاید هر یک از مشایخ صوفیه روشی را که در سیر و سلوک و حرکت بسوی کمال میپسندیدند و کلاه فقر خود که نمودار مکتب آنها بوده است نقش میکردند .

گاهی هم کلاه خود را بتقسیماتی بنام ترك قسمت مینمودند که هر ترکی نشان ترك صفتی مذموم بود و این بیت شاهد خوبی برای اثبات موضوع فوق است .

بر کلاه فقر میباشد سه ترك ترك غیظ و ترك شهوت ترك ترك

یا عبارت دیگر ترك دنیا ترك عقبی ترك ترك .

و برای اثبات بیت فوق اشاره بحديث الدنيا حرام علی اهل الاخرة والاخرة حرام علی اهل الدنيا وهما حرام علی اهل الله ، مینمودند .

( این دنیا بردوستاناران آن دنیا حرام است و آن دنیا بر خریداران این دنیا حرام و هر دو دنیا بردوستان خدا حرام است ) .

و بمناسبت همین بیت فوق میتوان گفت که زمانی کلاه فقر صوفیه دارای سه ترك بوده است .

دو بیت دیگر :

گر سر برگ کلاه فقر داری ای فقیر

چار ترک باید اول تا رود کارت به پیش

ترك اول ترك مال و ترك ثانی ترك جاه

ترك ثالث ترك راحت ترك رابع ترك خویش

از دو بیت بالا معلوم میشود که زمانی هم کلاه فقر دارای چهار ترك بوده است ، و نیز چنین مفهوم میگردد که صوفیه تا ترکهای مزبور را عملاً انجام نسیدادند حق نداشتند کلاه چهار ترك بر سر بگذارند ، و ضمناً پیداست که کلاه فقر در آن موقع شاخص بلندی درجه و مقام صوفیان بوده است .

از اینکه سلاسل مختلف تصوف درازمنه پیش دارای کلاههای ویژه‌ای بوده‌اند شکی نیست کما اینکه امروز هم تاج فقر سلاسل مختلف باهم متفاوت است و ما در زیر مختصراً بخصوصیات هر يك از آنها می‌پردازیم :

۱ - کلاه فقر در سلسله مولویه . کلاهی است نمادی زرد رنگ بشکل مخروط ناقص که ارتفاع آن در حدود ۱۷ سانتیمتر است مشایخ آن سلسله پارچه سیاه رنگی را هم بشکل دستار بدور آن می‌بندند .

۲ - کلاه فقری سلسله ذهبیه . که گویا اخیراً ابتکار شده بشکل کلاه فقری سلسله مولویه است با این تفاوت که ارتفاع آن در حدود ۲۵ سانتیمتر است .

۳ - کلاه فقری سلسله خاکسار . کلاهی است مخروطی از نم‌یا پارچه ضخیم دارای دوازده ترك (به تقلید از سلسله نعمت‌اللهی) و روی آن ابیات مختلفی نگاشته میشود که آنچه بنظر اینجانب رسیده ، اینهاست :

۱ - شاهان جهان که صاحبان تاجند      سرگرم بدعوی خراج و باجند  
در کوچه معرفت چو پیا بنهادند      دیدند که بر تاج گدا محتاجند



۲ - در مملکت بقا شهنشاه علی است      تاج سر عارفان آگاه علی است  
در ذات علی تحیر جمله عقول      زانست که سر ذات الله علی است



۳ - یکچند بزیر لگد آماج شدم      یکچند اسیر يك حلاج شدم  
یکچند بجان خود خریدم سوزن      تا بر سر اهل فقر گل‌تاج شدم

چون این طایفه در سابق روزگار را بگدائی و در یوزگی میگذراندند برای تاج فقری رمزی قائلند که عین عبارت اصطلاحی آنها نقل میشود :

اگر پرسند از تاج بگو تاج تو کل است . مقصود اینکه تاج تو کل بر سر نه و در غم روزی مباش که حق میرساند .

گاهی هم در فواصل ترکها علاوه بر اشعار کلمات «یا علی مدد»، «یا علی» اسامی الله تعالی را قلابدووزی مینمایند . مشایخ این سلسله دور کلاه فقری خود را

رشته با پارچه‌ای میبندند و در نوک کلاه مزبور قطعه شیشه ضخیمی بنام در  
میشاندند .

۴ - تاج سلسله نعمت‌اللهی . بطوریکه در تذکره‌ها نگاشته‌اند قدیمترین  
تاج دوازده ترک مربوط بزمان شاه نعمت‌الله ولی است و علت پیدایش آن این است  
که : معمول بود هر يك از مخلصان و مریدان جناب شاه نعمت‌الله همراه خود  
کسوت و خرقة‌ای می‌آورد . پس از بیعت جناب شاه آن کسوت را باو میپوشانید  
کسوت مزبور گاهی تاج نمدمالیده بلندی بود که زمانی پنج ترک داشت ، تا اینکه  
سیدمنهاج تاج ۱۲ ترک را بنظر سید رسانید و اجازه دوختن خواست ، بعد از آن  
تاج مزبور برای همه مقرر گردید . علاوه بر این جناب شاه نعمت‌الله تاج دوازده  
ترکی را برای سلطان احمدشاه بهمنی بدکن فرستاد معلوم میشود که تاج اصولاً  
قبل از زمان شاه نعمت‌الله متداول بوده و زمانیهم پنج ترک داشته‌است رساله‌ای  
هم جناب شاه نعمت‌الله بنام تاج‌نامه دارد که مفاد آنرا در زیر مینگاریم :

تاج سر عارفان آگاه      فرزند رسول نعمت‌الله

بدان ای عزیز که تاج را دوازده ترک است و دوازده طلب :

اول : ترک بخل است و طلب سخاوت - دوم : ترک بغض است و طلب  
محبت - سوم : ترک قهر است و طلب رحمت - چهارم : ترک کینه است و طلب  
عفو - پنجم : ترک خودبینی است و طلب افتادگی و شکستگی - ششم : ترک  
عیبجویی و طلب عیب پوشی - هفتم : ترک نفس ره است و طلب معرفت .  
هشتم : ترک شهوت و طلب ریاضت و تذکیه نفس - نهم : ترک آزار کسان و طلب  
راحت بمردم رسانیدن - دهم : ترک خواب و طلب بیداری - یازدهم : ترک  
خودگفتن و طلب بقاء - دوازدهم ترک ظن بد و طلب اخلاق حمیده .

در عمل گوش و هر چه خواهی پوش      تاج بر سر نه و علم بر دوش  
زاهدی در پلاس پوشی نیست      زاهد پاک باش و اطلس پوش




هر کس که نهد تاج سرما بر سر      فارغ شود از درد سر هر دوسرا  
از خصوصیات تاج دوازده ترک تا زمان شاه اسمعیل صفوی آگاهی



نداریم . شاه اسمعیل صفوی تاج دوازده ترکی برای سپاهیان که مریدانش بودند اختراع کرد که عبارت بود از کلاه بلند و قرمزی که در قسمت پیشانی تنگ بود بتدریج که بالا میرفت وسیع تر میگردد . قسمت بالای آن مسطح بود در وسط رأس کلاه نوعی ساقه باریک و راست بطول دو تا بیست سانتیمتر قرار داشت و دارای دوازده ترک بعدد ۱۲ امام شیعیان بود .

از دلائلی که اینجانب بر شروع نهضت تشیع در زمان شاه نعمت الله دارم همین تاج دوازده ترک است که از زمان وی متداول گردید .

فعلا تاج دوازده ترک نعمت اللهی کمتر بین درویشان این سلسله معمول است بعلت اینکه همه آنها خدمت گذار جامعه و بلباس متداول زمان خود ملیسند بیشتر در سلسله خاکسار تاج را بر سر میگذارند . اما باز هم تفاوتی در اذهان خواص بین تاج نعمت اللهی و خاکسار موجود میباشد و آن این است که تاج نعمت اللهی مشابه نیم کره در حالیکه تاج خاکسار بمخروط شبیه تر است و نشان در بالای تاج هم در سلسله نعمت اللهی مرسوم نیست .



شوریه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی